



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی
د استراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

تحلیل هفته

شماره: ۵۵ (از هفتم جدی الی چهاردهم جدی ۱۳۹۲ ه ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می گردد تا نهادهای سیاست گذار از آن استفاده نمایند.

آنچه درین نشریه می خوانید:

۱ – اظهارات مقام بلندرتبه نظامی بریتانیا؛ هشدار برای سناریوی آینده!

- اظهارات رئیس ستاد مشترک ارتش انگلستان منحیث دومین کشور متحمل جنگ و بازسازی در افغانستان، محض یک تخمین گفته نمی شود، اظهارات این مقام نظامی بلندپایه انگلیسی، با درنظرداشت نقش این کشور درجنگ افغانستان و روابط تنگاتنگ اش با کشور پاکستان و منحیث یک کشور دخیل و آگاه در قضیه، که یک شریک استراتژیک (پاکستان) هم در منطقه داشته باشد، یک نوع هشدار برای سناریوی آینده، در صورت دست نیافتن به مطالب دلخواه شان، تلقی می گردد که اگر احیانا این چنین نشود، شاید برای بدست آوردن نتایج مورد نظر شان، چنین سناریویی ساخته شود.

۲ – بلند رفتن نرخ دالرو اثرات آن بر گرانی اجناس

- استاد مسعود آگاه امور اقتصادی: همه مردم خوش دلند که داد و ستد در معاملات به افغانی شود، ولی به افغانی در صورتی می شود که ما تولید داشته باشیم، و تولید را به پول ملی بخرند، من فکر می کنم که افغانی آرام آرام حتی در معاملات متوسط و کلان، در خود افغانستان هم جای خود را از دست داده، بخاطریکه ارزشش تصنعی است، و روز به روز پایین می آید، یعنی اینکه ارزش افغانی به اساس تولید نیست، به همین خاطر من این امکان را زیاد نمی بینم که افغانی عوض دالرو یا کلدار استفاده شود.

۳ – مالیه د فساد د قیچی تر منخ!

- دا هم د اندېښنې خبره ده چې خصوصي سکتور، کورني او بهرني شرکتونه له ماليې تېښتي، دا هم د اندېښنې خبره ده چې د هغوی حقوق هم پایمالېږي او څوک یې په درد لا خبر نه دي، دا هم د اندېښنې خبره ده چې همدا ورکول کېدونکې مالیه هم د دې پر ځای چې اصل ځای ته ولاړه شي، د اداري فساد د بلا ترستوني تېرېږي او دا ټولې اندېښنې په داسې حال کې دي، چې داسې مرجع هم نه لرو، چې د دغو ستونزو شکایت وروړو او حل او حل لاره ترې وغواړو.

بخش سیاسی:

اظهارات مقام بلندرتبه نظامی بریتانیا؛ هشدار برای سناریوی آینده!

جمال الدین بدر، آگاه امور سیاسی



رئیس ستاد مشترک ارتش بریتانیا اخیراً در مصاحبه با روزنامه دیلی تیلگراف گفته است که احتمال دارد پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، طالبان مناطقی را که از دست داده بودند، دوباره تصرف کنند. وی مخالفین مسلح دولت افغانستان را به طالبان میانه رو و تندرو تقسیم کرده و گفته است که عناصر میانه رو طالبان می‌توانند وارد روند سیاسی شود؛ اما عناصر تندرو به جنگ و پیکار با دولت افغانستان ادامه خواهند داد و برای بازپس گیری مناطقی را که "سربازان ما به زحمت از آنها بدست گرفته اند تلاش خواهند کرد". این در حالی است که چند روز پیش دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا که به افغانستان آمده بود، در جمع سربازان بریتانیایی در ولایت هلمند، پایان موفقانه ماموریت افغانستان و خروج آبرومندان سربازانش از افغانستان را اعلان کرد و از وضعیت امنیت و ثبات افغانستان ابراز اطمینان کرده بود.

تبصره:

اظهارات رئیس ستاد مشترک ارتش کشور شاهی انگلستان، مبنی بر اینکه بعد از خروج نیروهای بین المللی، اکثر مناطق افغانستان به تصرف طالبان در خواهند آمد، یک نوع تهدید به حکومت کابل و اخبار از سناریوی آینده منطقه است؛ چون بریتانیا یکی از کشورهای غربی است که نقش محوری را در جنگ افغانستان داشت. اگر عمیقاً دیده شود در سطح بین المللی یک گروه در جوامع غربی، به ویژه در داخل اتحادیه ناتو دیده می‌شود، که کشورهای انگلیس تبار (امریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا) هستند و به یک اتحاد ویگانگی در مورد قضایای جهانی دیده می‌شود. اینها وجوهات نظر قریب تر و دیدگاه مشترک نظر به دیگر کشورهای قوی اروپایی دارند که از جمله قضیه افغانستان هم است. به گونه مثال دیده می‌شود که اگرچه جنگ از آدرس ناتو از طرف تمام کشورهای غربی آغاز شده بود، ولی اکثر این جنگ را کشورهای انگلیس تبار بدوش خود گرفتند، دیگر کشورها

نقش حاشیوی داشتند، به طور مثال در سنگرهای داغ و در مناطق آسیب پذیر و طالبان گزین، نیروهای این کشورها اعزام شدند، مانند ولایات شرقی و جنوبی کشور که نیروهای بریتانیا در ناامن ترین ولایت (هلمند) و استرالیا و کانادا هم در قندهار و ولایات همجوار آن مستقر شدند، بناء این کشورها بیشتر تلفات سنگین جنگ را متحمل شدند و با وجود آن، کدام گله و شکوه هم از اینها شنیده نشد، برعکس نیروهای دیگر کشورهای قوی اروپایی، در شمال مانند آلمان و در مرکز مانند فرانسه که با دیدن اندک ترین تلفات، فغان این کشورها و حتی ملت های متبوع آن در مجامع بین المللی شنیده شد، و صحبت های از باج دادن نیروهای فرانسوی به طالبان، برای حفظ جان عساکر ایشان در مناطق سرربی و غیره، از طریق رسانه ها به نشر رسید.

همچنین در قسمت بازسازی و کمک به مردم هم، نقش همین کشورهای انگلیسی تبار خیلی پررنگ و بارز بود. وکنار این همه، همیشه شکوک و شباهت در مورد مساعدت این کشورها مخصوصا انگلستان به مخالفین مسلح دولت از مقامات دولت افغانستان و حتی از مردم عادی در محافل شنیده می شد و از طریق رسانه ها هم نشر شده است. به طور مثال دو دیپلمات انگلیس که کارمند یونما در افغانستان بودند، به اتهام مساعدت با طالبان در هلمند، از طرف دولت افغانستان اخراج گردیدند که باعث تیره گی روابط میان دو کشور شد؛ و همچنین حکومت انگلستان، از طرف دولتمردان افغانستان در محافل خصوصی همیشه به دیده شک و طرفداری پاکستان در قضایای منطقوی یاد می شود.

بناء اظهارات رئیس ستاد مشترک ارتش انگلستان من حیث دومین کشور متحمل جنگ و بازسازی در افغانستان، محض یک تخمین گفته نمی شود، اظهارات این مقام نظامی بلند پایه انگلیسی، با در نظر داشت نقش این کشور در جنگ افغانستان و روابط تنگاتنگ اش با کشور پاکستان و من حیث یک کشور دخیل و آگاه در قضیه، که یک شریک استراتژیک (پاکستان) هم در منطقه داشته باشد، یک نوع هشدار برای سیناریوی آینده، در صورت دست نیافتن به مطالب دلخواه شان، تلقی می گردد که اگر احیانا این چنین نشود، شاید برای بدست آوردن نتایج مورد نظر شان، چنین سیناریوی ساخته شود. این کار نظر به حجم فزینی و تمویل جنگ این کشورها و با در نظر داشت پائین بودن ظرفیت نیروهای افغان از لحاظ کمی و کیفی، بعید به نظر نمی رسد؛ چون ما در چند سال گذشته، دارای یک نظام خودکفا و متکی به وسائل خود نبودیم؛ بلکه همه دستگاه های محوری و ستون فقرات دولت، به کمک و مساعدت این کشورها استوار است، بناء هر نوع کاستی مساعدت این کشورها، تمام معادله و بیلانس سیاسی و نظامی را برهم زده می تواند.

دیگر جناح های داخل دولت افغانستان نیز در مقابل این کشورها به شکل متحد صف آرا نیستند؛ بلکه در این رویارویی رئیس دولت تنها و منحصر به ذات خود است که اثرش در این مورد، از نیمه ساحه ارگ بیرون ممتد نمی شود، بناء نتیجه این شده می تواند که واقعا افغانستان به طرف بحران و جنگ نامحدود برود که شاید قربانیان آن بیشتر از پیش باشد.

سهم امریکا در این سناریو:

همچنان راپورهای منابع استخباراتی ایالات متحده امریکا هم، به همچنین وضع اشاره کرده‌اند، که آنرا مجزا از اظهارات مقام ارتش انگلیس پنداشته نمی‌توانیم؛ بلکه به این معنی است که قدرت های بزرگ جهان که اصلا جنگ را به پیش می‌برند، حال به این نتیجه رسیده‌اند که باید اوضاع عوض شود و سیناریوی دیگری ساخته شود. کشمکش میان کابل و این قدرت‌ها بیشترین زمینه را برای این چنین سیناریو فراهم ساخته است.

در کنار این همه، به نظر من، این دوستی که میان دولت معاصر افغانستان و ایالات متحده امریکا و ناتو است، در تاریخ دوستی دولت‌ها و ملت‌ها بی‌نظیر و کم سابقه بوده است. این یک عشقی است که غیر از چند روز اول ماه عسل دیگر به وخامت گرائیده است و عاشق و معشوق هر دو از این عشق بیزار و متنفر اند؛ حال فقط اعلان فسخ و مراسم فاتحه و عزاداری مانده است. حالا سلسله کارهای برای مقدمات این کار صورت گرفته است و خلاف نورم دیپلوماتیک بین‌المللی، به یک دیگر با لهجه‌های تند و لحن نامالایم صحبت و خطاب می‌شوند.

سناریوی دیگر:

یک سیناریوی دیگری هم وجود دارد که در صورت امضای معاهده نیز جنگ در داخل افغانستان و منطقه به پایان نخواهد رسید؛ چون پاکستان همواره وجود نیروهای خارجی و امریکایی را برای خود خطر بزرگ و زنگ خطر برای برنامه اتمی خود تلقی می‌کند؛ پاکستان با خروج زود هنگام این نیروها نفس راحت خواهد کشید. و از طرف دیگر، پاکستان به عنوان جنگ علیه تروریسم و تحت فشار امریکا و ناتو چند صد هزار ارتش خود را در حدود مشترک افغانستان و پاکستان، در حالت احضار درجه یک قرار داده بود که طبق قوانین و شرایط نظامی، مصارف خیلی گزاف را دارد؛ و از سویی هم با قبایل پشتون آنسوی خط دیورند، که اغلبا برای پاکستان مخلص هستند، در حالت جنگ بی‌مفهوم درگیر اند که سروصدای مخالف احزاب مذهبی و سیاسی، امثال تحریک انصاف و غیره پاکستان را هم همراه داشته است و باعث بدترین ناامنی‌ها و انفجارات قوی در داخل شهرهای پاکستان شده است، پاکستان برای رهایی از این وضعیت، در تلاش یک بهانه است. به نظر من، بعد از خروج اکثر نیروهای امریکای از افغانستان، و محدود شدن شان در چندین نکات مشخص در داخل افغانستان، پاکستان در داخل هند و مناطق متنازع همچون جمو و کشمیر و غیره، بعضی از انفجارات و حوادث دیگری را نیز به راه خواهد انداخت که در مقابل، هند نیز خشمگین شده نیروهای خود را به طرف مرز پاکستان سوق خواهند داد که در آن حالت، پاکستان به دلیل خطرات هند در حدود مشوک هند و پاکستان، تمام نیروهای مستقر در امتداد خط دیورند را، به آن سمت مرز سوق خواهد داد، که در نتیجه، در این طرف مرز زمینه عبور و مرور جنگ جویان طالب و دیگر گروه‌های مسلح مهیا خواهد شد که همانند زمان جهاد، گروه‌های مسلح از آن طرف مرز به آسانی بدون کدام موانع عبور و مرور خواهند کرد. از همین جا است که یک جنگ طولانی و طاقت فرسا در کشور آغاز خواهد شد که اداره آن را کشورهای همسایه خواهند داشت. به گمان اغلب بعضی از ولایات در شرق و جنوب کشور و اکثر ولسوالی‌ها، بدست طالبان خواهد افتید و دولت هم در شهرهای کلان منحصر مانده و از آنها دفاع خواهد کرد.

بخش اقتصادی:

بلند رفتن نرخ دالر و اثرات آن بر گرانی اجناس

حکمت الله خلاند



در این اواخر نرخ دالر به گونه غیرعادی بالا و پایین می‌رود و بلند رفتن قیمت آن، با مسائل سیاسی مانند بگومگوها میان کرسی و امریکایی‌ها بر سر امضای پیمان امنیتی و مسائل دیگر، دست را به دست هم داده و بر گرانی و بلند رفتن نرخ بسیاری از مواد اولیه و اجناس تأثیر می‌گذارد و افزایش چشمگیری در نرخ‌های آن دیده می‌شود که مشکلات زیادی را برای مردم پدید آورده است.

بسیاری از مردم در کنار مسائل اقتصادی دیگر، از بلند بودن نرخ‌های اجناس نیز شکایت دارند و می‌گویند که دولت بر آن کنترل ندارد و به این ترتیب به گونه عمده می‌خواهد که مردم در فقر و گرسنگی بمانند و زنده گی برای خانواده‌های کم‌بضاعت دشوار گردد.

سید مسعود استاد پوهنهی اقتصاد پوهنتون کابل در مورد عوامل بلند رفتن و پایین آمدن نرخ دالر می‌گوید: "تمامی ذخایر اسعاری ما وابسته به کمک‌هایی است که از جانب شماری از کشورها، بالخصوص کشورهای بزرگ اروپایی به ما داده می‌شوند، ارزش پولی را که باید وابسته باشد به تولید، و ارزش حقیقی را ایجاد کند، ما از دست دادیم و در حقیقت ارزش مصنوعی را نگه می‌داریم و ارزش پول افغانی در مقابل دالر ارزش مصنوعی است، نه حقیقی؛ از همین لحاظ در صورت افزایش و کاهش مقدار دالر در بازار، نرخ آن بالا و پایین می‌رود."

وی افزود که از جانب دیگر، "بر اساس تغییر روان جامعه، پول ما در مقابل اسعار تغییر می‌نماید، یعنی اینکه در بسیاری مواقع عرضه و تقاضا هیچ تغییر نمی‌کند، اما قیمت‌ها تغییر می‌خورد که آنرا به نام قیمت اخباری یاد می‌کند، و اخبار باعث می‌شود که قیمت‌ها را بالا و پایین برد؛ مثلاً در این روزها بعد از مسئله توافقنامه امنیتی و خراب شدن مناسبات ما

با امریکا، عمدتاً مسئله نگرانی‌های زیادی در قسمت سرمایه‌گذاری به وجود آمده و خود سرمایه‌گذاری در حقیقت ارزش پولی، دالری و اسعاری است، که در بازار بسیار کاهش پیدا می‌کند."

در همین حال شماری از صرافان، بانک مرکزی افغانستان را، به ضعف متهم کرده و می‌گویند که در کنار دیگر عوامل، یکی هم ضعف "د افغانستان بانک" است که نرخ دالر به گونه غیرعادی بالا می‌رود و اثرات منفی را به دنبال خود دارد.

اینکه ارزش افغانی را تا چه حد بانک مرکزی افغانستان ثابت نگه داشته می‌تواند، آقای مسعود می‌گوید: "این سیاست بانک مرکزی که همیشه باید ارزش پول توسط پمپ کردن مقدار اسعار در بازار نگه‌دارد، آهسته آهسته کهنه می‌شود، و در حقیقت کارایی خود را از دست می‌دهد، و دولت بخاطر اینکه ارزش افغانی بسیار پایین نیفتد، مقدار پول را در بازار توزیع می‌کند."

اما اینکه بانک مرکزی چه راه‌های دیگری را در پیشرو دارد که ارزش پولی را از طریق آن ثابت نگهدارد، وی می‌گوید: متأسفانه که بانک مرکزی تنها یک وسیله را به دست گرفته، باید وسایل دیگری هم بخاطر حفظ ارزش افغانی به کار انداخته شود؛ چون ما تولید نداریم، و تولید روز به روز پایین شده می‌رود، و کاهش تولید در افغانستان، و افزایش واردات و کاهش صادرات، باعث می‌شود که یک خلای کلان اسعاری به وجود بیاید، این خلای کلان اسعاری باعث بلند رفتن ارزش اسعاری و پایین آمدن ارزش پول افغانی می‌شود.

از سوی دیگر هم، اگرچه همه‌ساله در آستانه زمستان قیمت مواد اولیه تا اندازه‌ی بالا می‌رفت، ولی امسال این افزایش کاملاً بی‌رویه به نظر می‌رسد و از نرخ مواد اولیه گرفته تا آرد و چوب و گاز و نفت، همه افزایش یافته‌اند که بسیاری از مردم دلیل آنرا مسائل سیاسی می‌دانند، اما باز هم بر دولت انتقاد می‌کنند که چرا دولت در هنگام بروز کشمکش‌های سیاسی میان افغانستان و دیگر کشورها، نرخ‌ها را کنترل نمی‌کند.

برخی از بازرگانان و دکانداران عامل اصلی گرانی اجناس را بالا رفتن قیمت دالر عنوان می‌کنند و می‌گویند که اکنون همه مواد و اجناس را به دالر می‌خرند و به افغانی می‌فروشند، بناء بخاطر اینکه نرخ دالر بلند است، ناگزیر هستند که مواد خود را نیز به قیمت بلند بفروشند، تا همان اندازه پول را بدست بیاورند.

به نظر آنان، تنها راه ثابت شدن نرخ‌ها ترویج پول افغانی در معامله‌های بزرگ است و دولت می‌تواند که به مردم به گونه‌ی جدی بگوید که همه مردم باید به افغانی خرید و فروش نمایند، اگر کسی به کلداری یا دالر خرید و فروش کرد، مجازات می‌شود.

در مورد اینکه چرا دولت در راستای ترویج افغانی در معاملات تجارتهای گام نمی‌برد، استاد مسعود می‌گوید: "این یک چیز آرمانی است، و خود این دکانداران هم که این را می‌گویند، تا اندازه‌ای باور ندارند، حالا پنج کرنسی در افغانستان رول دارند که دالر است، کلداری پاکستانی است، منات ازبکی است، و همچنان ریال ایرانی است و افغانی است؛ کلداری پاکستانی که یک چند وقت پیشتر تنها صفحات جنوب و شرق افغانستان را گرفته بود، حالا صفحات شمال را هم می‌گیرد، چون از ۵۵ تا ۶۰ فیصد تجارت ما مربوط به پاکستان است."

به گفته‌ی او، "گذشته از کلداری، در معاملات بلند دالر به کار برده می‌شود، همه مردم خوش دراند که (معاملات) به افغانی شود، ولی به افغانی در صورتی می‌شود که ما تولید داشته باشیم، و تولید را به پول ملی بخرند، من فکر می‌کنم که افغانی آرام آرام حتی در معاملات متوسط و کلان، در خود افغانستان هم جای خود را از دست داده بخاطریکه ارزشش تصنعی است و روز به روز پایین می‌آید، به معنای اینکه ارزش افغانی به اساس تولید نیست، به همین خاطر من این امکان را زیاد نمی‌بینم که افغانی عوض دالر و یا عوض کلداری استفاده شود."

از سوی هم بر بنیاد گفته‌های شماری از مردم، بازرگانان هم خودسرانه دست به احتکار و گران‌فروشی می‌زنند.

استاد مسعود در این مورد می‌گوید: "در کل افزایش ارزش دالر می‌تواند که یکی از عوامل باشد، ولی ما عمدتاً مسئله احتکار را مدنظر می‌گیریم، مسئله فصل زمستان را مدنظر می‌گیریم، مسئله اخبار روانی مطرح است، مسئله توافقنامه امنیتی مطرح است، و نگرانی‌ها را خلق کرده که این نگرانی‌ها خود قیمت‌ها را بلند می‌برد، مسئله انتخابات مطرح است که به نوعی این همه نگرانی‌های جامعه هم باعث شده است که قیمت‌ها را بلند ببرد.

به گفته‌ی وی: "موجودیت انفلاسیون در کشورهاییکه از آنها اجناس را وارد می‌کنیم نیز تأثیرگذار است، چون در آنجا قیمت‌ها بلند است و مجبوراً به همان قیمت بلند در اینجا به فروش می‌رسد."

اما اینکه چرا حکومت در بروز جنجال‌های سیاسی نرخ‌ها را کنترل نمی‌کند، آقای مسعود می‌گوید: "حکومت نمی‌تواند، چون حکومت مصروف جنجال‌های سیاسی است، توافقنامه امنیتی، مسئله انتخابات، مسئله انتقال مسوولیت‌های

امنیتی، مسئله انتقال مسوولیت‌های سیاسی و در پهلوی آن روابط بسیار خراب با امریکا، استعفا دادن پنج شش وزیر بخاطر رفتن به انتخابات، مسئله ۲۰۱۴ مطرح است که از آن برای ما بلای ساخته اند؛ و همه‌ای این‌ها دست به دست هم داده و قیمت‌ها را بلند بردند."

استاد مسعود در جواب این پرسش که این وضع بر اقتصاد افغانستان چه تأثیرات دارد، گفت: "اگر در کنار دیگر مسائل، انتخابات آینده به درستی انجام شود، هیچ‌گونه تأثیرات را نخواهد داشت، حتی تأثیرات مثبت خواهند آمد، اما اگر انتخابات به درستی انجام نشود و جنگ هم دوام کند و امنیت هم خراب شود، واضح است که قیمت‌ها فوق العاده بلند خواهند رفت و استخدام پایین خواهد آمد، وضع اقتصادی مردم خراب خواهد شد، ولی من فکر می‌کنم که چنین نخواهد شد و پس از سال ۲۰۱۴ به طرف مثبت حرکت خواهیم کرد."

ولی در کل مردم در وضعیت فعلی با مشکلات زیادی مواجه اند و بلند رفتن بهای اجناس تا این حد، چنان می‌نماید که گویی افغانستان شامل یک سلسله تحریم‌های سنگین اقتصادی شده و طبقات فرودست و بی‌بضاعت جامعه در مشکلات زیادی به سر می‌برند. با تشکر از هفته‌نامه اصلاح ملی.

مالیه د فساد د قیچی تر منغ!

عبدالله الهام جمالی، د سیاسی چارو شنونکی



د مالی وزارت ویلی، چې یو شمېر کورني او بهرني شرکتونه هڅه کوي، چې حکومت ته د مالی له ورکړې ډډه وکړي؛ خو دا هم وايي چې له هغوی سره به جدي قانوني چلند وکړي.

افغان دولت په عايداتو کې، د مالياتو په برخه کې په تېرو کلونو کې په ميلياردونو افغانۍ زيانمن شوی، چې په دې کې په صادراتي توکو له اصلي قيمت ښکته ماليات، له مالياتو تېښته او يو شمېر نور عوامل، چې ډېری برخه يې له قانون نه تېښته او اداري فساد تشکيلوي، شامل دي.

څه غنم لاندې او څه ژرنده پڅه، څه خصوصي سکتور په ډېری مواردو کې له مالياتو تېښتېدلې، ځينې وخت په صادراتي توکو کې تیت نرخ ښودلې، څه د خپلو کارونو په اړه ناسم معلومات وړاندې کړي، حتی ځينې وخت دولت ته ځان عدم فعاليت ښودلې، ځينې وخت په زوره او غيرقانوني ډول له ماليې تېښتېدلې او څه هم په دولتي ادارو، په تېره بيا د ماليه اخيستونکي وزارت او بيا د ماليه اخېستونکو پراخ فساد، ټول د دې لامل شوي چې دا مفهوم دلته بېخي مسخره وگرځي.

که تاسې د منځنيو ماليه ورکوونکو رياست ته ورشئ، يوازې يو يا دوه ساعته په کوم دفتر کې تم شئ، بيا به د ماليه اخېستونکو چارواکو اخلاص هم وگورئ، چې په داسې بې رحمه فساد کې اخته دي، چې هر کارکوونکی د ورځې لسکونه او سلکونه زره فساد کولای شي.

په دولت کې خو به د ظرفيتونو د څرنکوالي، شفافيت او کارندوالي په گډون له اداري فساد او نورو ستونزو ډېر څه نه وايو؛ ځکه چې تر ډېره بريده وخت ناوخت پرې بحث شوی او اوس ټول پوهېږو، چې ولې مو خاورې په سر دي، خو ډېری مهال د سوداگرۍ خونې هم په پتو سترگو له خصوصي سکتور نه ملاتړ کوي، چې لکه د قيچي دوه خولې، يوې خوا ته په دولت کې اداري فساد او کمزوري او بلې خوا ته په خصوصي سکتور کې بې رحمې او نه ژمنتوب د دې لامل شوي، چې بېلابېلې اقتصادي برخې انحصاري شي، مافيايي شي او د يوه ډېرو پروونکي حالت په لور، پر مخ ولاړې شي.

حتی د دولت په کچه ادارات هومره کمزوري او بې مسوليتنه ايسي، چې معلومات لا په دې تړاو نه شي ورکولای، د بېلگې په توگه د افغانستان د صادراتو او له دې لارې د راغلې ماليې د اندازې دقيق معلومات وغورئ، سوداگرۍ وزارت او د صادراتو د انکشاف اداره به يو څه وايي، ماليه وزارت به بل څه وايي، د سوداگرۍ خونې به بل څه وايي او حقيقت به حتمن بل څه وي.

بېلابېلو ستونزو هجوم راوړی، له قوانينو او اسنادو نيولې، تر بروکراتيکو سيستمونو، ادارتي جوړښتونو او خصوصي او دولتي سکتور تر هر اړخيزو ستونزو پورې، ټول د ستونزو لامل کېږي، او په خواشينۍ سره د کمېدلو پر ځای ورځ تر بلې ژورېږي او پراخېږي.

کله چې په دې برخه کې تحقيق پيل شي، د اړوندو ادارو هغه چارواکي، چې تر ټولو ډېر په اداري فساد کې ډوب دي، د هغې بلې ادارې په هغو تور پورې کوي او د هغو ادارې د نورو ادارو او په دې ډول د ټول نظام بوی لگېږي. په تېره بيا په دغه سکتور کې داسې نادودې سړی ويني، چې د کتلو نه دي، د صادراتو د پراختيا ادارې له مشرتابه يې درونيسه، تر ماليې وزارت، تر سوداگرۍ وزارت او تر کمركاتو او د سوداگرۍ تر خونو او خصوصي سکتور، ټول د پاتې دولت د مهمو

ستونزو لکه، د بې ظرفیتۍ، بې پلانی، اداري فساد او نورو ستونزو په څېر، دوی هم پکې ډوب دي؛ په داسې حال کې چې دا ستونزه ورځ تر بلې ژورېږي، کلیدي مهرې لا هم کلیدي ځایونو ته په حرکت کې دي او ملت کلابند دی.

په همدې حال کې د مالي وزارت راپورته شي او ادعا وکړي، چې دوی داسې مظلوم دي، چې ماليه نه شي ټولولی، په داسې حال کې چې د بېلګې په توګه به یې د منځنیو مالیه ورکونکو ریاست یاد کړم، چې په هر څومره کوچنۍ موسسې یا شرکت کې د پیسو د ترلاسه کولو لپاره خپل چانس وویني، په هر ډول شرایطو کې ځان ور رسولای شي، پښه ورته ټینګه کړي او په دوه ورځو کې کولای شي، د اړوندې موسسې یا شرکت هر څه نیست او نابود کړي او یا ترې په اصطلاح مالیه را پیدا کړي، خو د قانون تر چتر لاندې د خپلې دندې له مخې یې ګوټې او ملا ماته وي، البته دا هغه حقایق دي، چې دغو ادارو ته په یواځې یوه ورتګ یې سړی درک کولای شي.

اوبه له ډېر پاسه خړې دي او لا پسې خړېږي، د دغه مرض تداوي په کار ده، دا ټول وجود فلجوي او له کاره یې اچوي، او په داسې حال کې چې تر ټولو په حساس پړاو کې یو، له دې موضوع سره یې غوري مو هر څه، حتی رواني امنیت له منځه وړي او په اوږده مهال کې مو په خپلو پښو له درېدلو غورځوي.

دا هم د اندېښنې خبره ده چې خصوصي سکتور، کورني او بهرني شرکتونه له مالي ټیټې، دا هم د اندېښنې خبره ده چې د هغوی حقوق هم پایمالېږي او څوک یې په درد لا خبر نه دي، دا هم د اندېښنې خبره ده چې همدا ورکول کېدونکې مالیه هم د دې پر ځای چې اصل ځای ته ولاړه شي، د اداري فساد د بلا ترستوني تېرېږي او دا ټولې اندېښنې په داسې حال کې دي، چې داسې مرجع هم نه لرو، چې د دغو ستونزو شکایت ورورو او حل او حل لاره ترې وغواړو؛ خو که زموږ دا غږ څوک اوري، نونه دې پرېږدي چې په دې سختو شرایطو کې په ډاک میدان نهیلي پاتې شو. پای